

چالش‌های رویکرد "تحقیق موضوعی" در قرآن کریم

Challenges of "thematic research Approach in the Holy Quran"

Mostafa Hosseini Golkar *

Seyyed Sepehr Ghazi noory **

Fateme Saghafi ***

Rahim Eivazi ****

مصطفی حسینی گلکار *

سید سپهر قاضی نوری **

فاطمه ثقفی ***

محمد رحیم عیوضی ****

چکیده:

Abstract:

The method of "thematic research" in the Quran is a new approach for thinking into the Quran which has been established by Dr. Lesani Fesharaki, and has developed in the last three decades. Despite widespread welcome on the part of students and researchers in the area of comparative and interdisciplinary studies, the said approach faces numerous methodological, viewpoint and forward-looking challenges. This approach is not that systemic in the line of deepening thinking into the Quran; also, on the one hand, there are numerous drawbacks- this approach is overly focused on free association and requires to be developed in order to present in form of Quranic studies, and on the other hand, it better helps young researchers to use this method in as long as it seems the application of this approach leads to Islamic Protestantism. The current paper, after analyzing and raising the advantages and disadvantage of "thematic research in the Quran, addresses its possible position in methodology and offers recommendations for its improvement. In the end, it is concluded that in relation to the predominant process of Shiite interpretation, "thematic research method" should be regarded as a heterodox process.

Keywords: Holy Quran, thematic research Method, Future research Brainstorming and Protestantism.

روش "تحقیق موضوعی" در قرآن کریم، رویکردی نو برای تدبر قرآنی است که با محوریت دکتر لسانی فشارکی شکل گرفته و در سه دهه گذشته تکامل یافته است. علی‌رغم استقبال گسترده دانشجویان و محققان برپژه در حوزه مطالعات تطبیقی و میان رشته ای از آن، رویکرد مذکور چالش‌های فراوان روش شناختی؛ دیدگاهی و آینده نگارانه ای پیش روی خود دارد. این رهیافت در راستای تعمیق تدبر در قرآن چندان روشمند نیست؛ همچنین از یک سو هنوز نواقص متعددی دارد - بیش از اندازه بر تداعی آزاد مبتنی شده و به منظور ارائه در قالب روش مطالعات قرآنی نیازمند تکامل است - و از سوی دیگر موجب بروز التقاطات فراوان در اندیشه محققین جوانی که از این روش استفاده می کنند خواهد شد تا آنجا که به نظر می رسد شیوع این رویکرد منجر به پروتستانتیسم اسلامی گردد. مقاله حاضر پس از تحلیل و طرح اهم مزایا و نواقص "روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم"، به جایگاه احتمالی آن در پیوستار روش شناسی پرداخته و پیشنهاداتی جهت ارتقاء آن داده است. نهایتاً نتیجه گرفته شده است که در نسبت با جریان غالب تفسیری شیعی، بایستی "روش تحقیق موضوعی" را جریانی هترو دوکس تلقی نماییم.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم؛ روش تحقیق موضوعی؛ آینده پژوهی؛ ذهن انگیزی و پروتستانتیسم.

* PhD of Futures Studies, Tehran University.

** Professor of Modarres University.

*** Assistant Professor at Modiriyat academy of Tehran University.

**** Professor at Imam-Khomeini University.

* دکترای آینده پژوهی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

.mhq.golar@gmail.com

** استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

*** استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

**** استاد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

روش "تحقیق موضوعی" در قرآن کریم که توسط حلقه مطالعات قرآنی با محوریت جناب آقای دکتر لسانی فشارکی^۱ و برخی شاگردان ایشان بر مبنای روش کارگاهی و ذهن‌انگیزی در سال‌های اخیر به‌عنوان رویکردی نو برای تدبر قرآنی مطرح شده، در طی بیش از سه دهه گذشته شکل گرفته و تکامل یافته است.

نسخه‌های متعددی و ویراست‌های گوناگون کتابی با عنوان روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم سال‌ها به‌صورت جزوات و پلی‌کپی در اختیار دانشجویان و عموم علاقمندان قرار می‌گرفته که اکنون از طریق اینترنت در دسترس می‌باشند. همچنین کتابی با همین عنوان در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات بوستان کتاب - وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - به چاپ رسیده است.^۲

سال‌هاست که حلقه‌های تدبر قرآنی متعدد و کارگاه‌های روش تحقیق موضوعی توسط دکتر لسانی و شاگردان ایشان برگزار می‌شود و امروز با اقبال گسترده‌ای از سوی دانشجویان و محققان بویژه در حوزه مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای مواجه شده است.

این رهیافت مطالعات قرآنی مدعی تمایز با تفسیر قرآن و نیز مدعی انطباق با نظر بزرگان از اندیشمندان شیعه و مفسرین کبیر و نیز مدعی ارائه راهکار ذیل دغدغه‌های قرآنی رهبری انقلاب و دیگر بزرگان کشور است.

با این وجود این رویکرد، چالش‌های فراوان روش‌شناختی؛ دیدگاهی و آینده‌نگارانه‌ای پیش روی خود دارد.

مقاله حاضر پس از مرور اجمالی روش و گام‌های آن به تحلیل روش شناختی؛ متدولوژیک و آینده پژوهانه آن پرداخته است، تا از این طریق به مزایا و

معایب روش، دست‌یابد و همچنین امکان ایجاد فضای گفتگو و نقادی در باب این رویکرد را در محافل تخصصی و دانشگاهی و میان قرآن‌پژوهان فراهم سازد تا اولاً؛ نواقص رویکرد برطرف شده و روش تکامل یافته و بتواند به‌عنوان روش معتبر قرآن‌پژوهی در محافل آکادمیک و بین‌المللی مطرح گردد و ثانیاً؛ با بررسی نظام‌مند (سیستماتیک) و پویای رویکرد برخی چالش‌های مهم و آسیب‌هایی که ممکن است در اثر شیوع بدون بررسی روش پیش آید نیز عنوان شود.

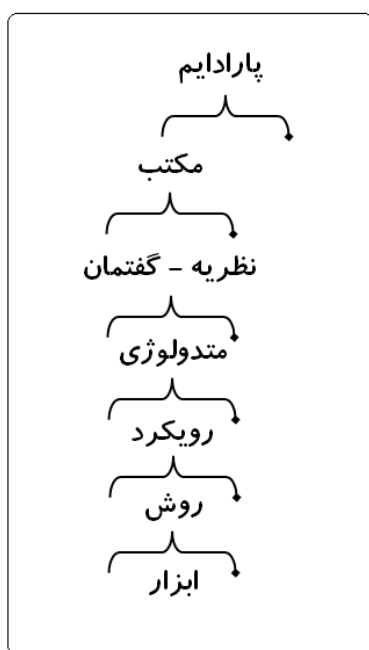
مروری بر روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم
در مقاله حاضر، به منظور استناد بهتر به روش مطرح شده؛ معرفی، نقد و بررسی آن را از طریق کتاب منتشر شده، توسط بوستان کتاب (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱) انجام می‌دهیم تا علاوه بر دقت در بررسی و صحت در ارجاعات، امکان تفاهم بهتر فراهم شود.

روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، به بیان اجمالی گونه‌ای راهنماست که با هدف چگونگی و شناسایی تحقیق موضوعی در قرآن، روش‌های تحقیق قرآن و معرفی مراحل تحقیق نگاشته شده است.

در بخش نخست، مراحل تحقیق موضوعی در قرآن تشریح گردیده است. این مراحل شامل مرحله مقدماتی، مرحله مفهوم‌یابی، مرحله گسترش یا فشرده کردن تحقیق موضوعی و مرحله تدوین و تألیف است. در مرحله مقدماتی این اطلاعات ذکر گردیده است: انتخاب عنوان تحقیق موضوعی و کلیدواژه‌های آن، آماده‌سازی اوراق اولیه تحقیق موضوعی، نگارش صفحه عنوان و ثبت گزارش آغاز تحقیق، تدارک فهرست آیات اصلی و فهرست سیاق‌ها و ثبت آمار و ارقام مربوط به کاربرد کلیدواژه‌ها. مرحله مفهوم‌یابی نیز مشتمل است بر نگارش متن کامل آیه، تلاوت مکرر آیه، بررسی مفهوم آیه،

۲- نکته دوم، در پاسخ به این پرسش است که آیا ما توسعه و ارائه روش‌های تحقیقی جدید در حوزه مطالعات دینی را می‌پذیریم یا آنها را منحصر به رهیافت‌های پیشین می‌دانیم؟
جواب مثبت است (حسینی گلکار و کبیر، ۱۳۹۱):
۱۲۹ و ۱۵۱)، لذا می‌توانیم "روش تحقیق موضوعی" دکتر لسانی را در قالب یک رویکرد نو به مطالعات دینی تلقی و تحلیل نماییم.

۳- نکته سوم، آن است که با توجه به فضای میان رشته‌ای حاکم بر "روش تحقیق موضوعی"، ما چگونه بایستی به تحلیل این فضا بپردازیم؟



با ملاحظه این نکته که دو مدل توسعه میان رشته‌ای وجود دارد: به صورت استقلال از یک رشته مادر و یا به صورت ترکیب از چندین رشته پایه.

پاسخ آن است که در توسعه میان رشته‌ای‌ها بایستی به آنچه جریان غالب است، توجه داشته باشیم. معنای این سخن آن است که با پذیرش هر

یادداشت سؤالات، بررسی مفاهیم آیه در سیاق آن، یادداشت نظم‌ها و هماهنگی‌ها در آیات قرآن و چند نکته تکمیلی در حین تحقیق (به‌خاطر سپردن مفاهیم و سؤالات، از بر کردن آیات اصلی و نگه‌داری ترتیب و ترکیب دست‌نویس‌های تحقیق، بازنگری سراسری مفاهیم به دست آمده و مراجعه به متون تفسیری).

در مرحله بعدی نیز راه‌های گسترش تحقیق موضوعی، همچنین راه‌های فشرده کردن آن، بیان شده است. مرحله تدوین و تألیف نیز شامل تدارک طرح بخش‌ها و فصل‌ها، کدگذاری مفاهیم به دست آمده و نگارش متن است.

در بخش دوم کتاب، نمونه‌هایی از تحقیق موضوعی در قرآن معرفی شده است^۳ (حسینی گلکار و هاشمی، ۱۳۹۴: ۵۲-۵۱ و ۶۰-۵۹).

مبانی نظری تحقیق

در تبیین مبانی نظری پژوهش حاضر، بحث در چند نکته ضروری است:

- اول- تدقیق در مفاهیم روش‌شناسی مرتبط؛
- دوم- نگره‌ای در باب توسعه رویکردهای پژوهشی در مطالعات دینی؛
- سوم- ارائه دیدگاهی پیرامون مطالعات میان رشته‌ای؛
- چهارم- موضعی درباره زبان دین.

۱- نکته اول، در ادبیات مورد استفاده برای بیان مفاهیم روش‌شناسی، اغلب واژگان متعددی استفاده می‌شوند که هم‌پوشانی آنها از دقت تحقیق می‌کاهد. ایضاح در ترمینولوژی روش‌شناسی در پی دقت نظرهای فلسفه علم از ابهامات بعدی خواهد کاست. در پژوهش حاضر، نسبت و تقدم مهم‌ترین مفاهیم روش تحقیق را مطابق شکل پذیرفته‌ایم (حسینی گلکار، ۱۳۹۳).

این مهم، بررسی نظریات پیرامون زبان دین را ضروری می‌سازد. اگرچه تفصیل این بحث خارج از مجال حاضر است، اما اجمالاً اگرچه تاکنون امکان ارائه تعریفی از "زبان" که مقبول همگان باشد میسر نشده؛ اما آن‌گونه که در جای خود نشان داده شده، ویژگی‌های خاصی که به‌عنوان مشخصه زبان به آن نسبت داده شده، قابل اتلاق به مفهوم زبان دین(ی) هم خواهند بود.

به‌ویژه علاوه بر آنکه کارکردهای گوناگون زبان در حوزه دین متصور است، اگر "زبان دین" را زبانی منبعث از فضای دینی، مشتمل بر عناصری همراه با ویژگی‌های ساختاری، دستوری و روابط بین آنها که پاسخ‌هایی برای پرسش‌های معناشناختی و... حاصل از خود نیز داشته باشد، تعریف نماییم، مسلماً چنین مفهومی امکان‌پذیر بوده و مصداق خواهد داشت.

همچنین اگر "زبان دینی" را زبانی متداول که در آن معیارهای مشخص و متمایز دینی لحاظ شده بیان‌کاریم، آنگاه می‌توانیم مدعی وجود "زبان دینی" هم باشیم. به‌ویژه اینکه زبان دین و زبان دینی واجد عنصری از امر متعالی - مثلاً اسماء و صفات الهی - هستند که درک و فهم آن تنها در فضای دینی و با معیارهای خاص آن (دستور خاص) امکان‌پذیر است. همچنین از مجموع آیات قرآن نیز می‌توان تأییدی بر وجود زبان خاص دینی که ناظر به مخاطب و روش خاص - یعنی توجه به فطرت انسان هاست - استنباط نمود. به‌علاوه آنچه از سوی علامه طباطبایی و دیگران، تفسیر قرآن به قرآن عنوان شده است، نشان از توجه جدی به همبستگی مجموع زبان دین دارد (حسینی گلکار و محمدرضایی، ۱۳۹۳: ۱۷۰ - ۱۵۳).

یک از دو تلقی فوق برای "روش تحقیق موضوعی"، بایستی نسبت آن را با جریان غالب بسنجیم.

مراد از جریان اصلی یا غالب تا حدودی معادل **Mainstream** است که واژه‌ای متداول در علوم اجتماعی محسوب می‌گردد. طبق تعریف لغت‌نامه کمبریج^۴ جریان اصلی عبارت است از "طریقی از زندگی و یا مجموعه‌ای از باورها که توسط اکثریت مردم پذیرفته شده است."

به همین صورت فرهنگ و بستر نیز بر "پذیرش و قبول توسط اکثریت" و "جهت فعالیت‌ها و تأثیرات کنونی" تأکید نموده است.^۵

اما در این میان دائرةالمعارف آنلاین ویکی‌پدیا (مدخل سال ۲۰۱۶ م.) با دقت بیشتری به موشکافی ابعاد جریان غالب پرداخته است و شاخه‌های گوناگون دین^۶، علوم، رسانه، فیلم، موسیقی، جامعه‌شناسی و آموزش را بررسی و در تعریف اولیه^۷ خویش نیز بر مؤلفه‌های عرفی؛ اکثریت و ادراک، تأکید نموده است.

این مدخل ذیل بحث جریان غالب در حوزه علم - با استناد به برخی تفاسیر از آراء توماس کوهن فیلسوف علم - نگاهی تکاملی را مطرح کرده و جریان غالب را در حوزه علم، همان رهیافت شایع و مقبول عالمان حوزه در دوران خاص و مبتنی بر روش علمی مقبول و تثبیت شده، تلقی می‌نماید.^۸

اغلب جریان‌های غیر وفادار به جریان اصلی غالب و یا در حال انشعاب از آن را با عنوان "هترودوکس" می‌شناسند.

نسبت میان "روش تحقیق موضوعی" با جریان غالب تفسیری شیعی، پرسش دیگری است که در خلال تحقیق حاضر به آن نظر داشته‌ایم.

۴- آن‌گونه که خواهیم دید، موضع غیر الزام‌آور دکتر لسانی درباره زبان قرآن و عربیت آن، یکی از اصول رویکرد ایشان است.

استخراج برخی از اصول موضوعه روش

به‌طور مرسوم و بر اساس فلسفه و معرفت‌شناسی علم رایج، می‌توان هر نظام فکری را در قالب سیستم اصل موضوعی (آکسیوماتیک) ارائه داد.

روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم نیز که از سوی پدیدآورندگان آن یک نگره فکری محسوب می‌شود، علی‌القاعده می‌تواند در چنین قالبی نگاشته^۹ شود.

اگرچه بحث در باب اصول موضوعه روش از سوی مبدعان آن به‌صورت مستقل مطرح نشده و حتی بعضاً در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایشان صراحتاً خود را فارغ از هرگونه بحث فلسفی - روشی دانسته‌اند، اما می‌توان برخی از اصولی را که در خلال مباحثشان تصریح و تأکید داشته‌اند، به‌عنوان اصول موضوعه استخراج نمود.

همان‌گونه که در تخلص فصل دوم کتاب روش تحقیق موضوعی اشاره شد، تعریف نگارندگان کتاب از روش خود بدین شرح است: «تحقیق موضوعی، یعنی شناخت جایگاه، معنا، مفهوم و کاربرد دقیق کلمه موضوع مورد نظر در قرآن...» (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳)

اصل روش‌مند بودن تدبر در قرآن کریم نیز از اصول مهم حلقه است، به باور دکتر لسانی: «قرآن ناطق هست؛ اما اگر روش نداشته باشیم برای ما صامت است.»

حلقه روش تحقیق موضوعی، خود را بی‌نیاز و میرا از تدقیق مبنایی و فلسفی روش خود می‌داند و باور دارند که همچون "آفتاب آمد دلیل آفتاب"؛ توفیقاتی که در هنگام تدقیق قرآنی از طریق روش ایشان برای محقق حاصل می‌شود، مهم‌ترین دلیل درستی روش است. (به این مسأله در بحث نقد و بررسی بازخواهیم گشت.)

یک فرض اخلاقی - عرفانی نیز در اصول این روش می‌توان دید و آن، این است که مفروض گرفته شده که فرد اگر با صفای قلبی و اخلاص در پیشگاه قرآن حاضر شود و از روش تحقیق موضوعی استفاده نماید، حتماً دستاوردهای او و الهامات و واردات قلبی و ذهنی‌اش صواب خواهد بود!

مبدعان این روش، تدبر قرآنی از طریق روش تحقیق موضوعی را غیر از تفسیر و در نتیجه غیر از تفسیر به رأی می‌دانند. همچنین، معتقد هستند که این روش، همسو با دعوت عمومی قرآن کریم به تدبر در خود و همچنین مطابق با سنت و سیره و نیز در راستای مطالبات قرآنی رهبر معظم انقلاب است.

مبدعان، نه تنها هیچ‌گونه دانش عربی و آشنایی با تفسیر و... را در راستای تدبر قرآنی لازم نمی‌دانند، بلکه اساساً آنها را سد راه و باری بر دوش محقق می‌انگارند.

تشخیص، استخراج و معادل‌گزینی درست واژگان کلیدی تحقیق با مفردات مناسب قرآنی، نقطه کانونی روش تحقیق موضوعی است.

دکتر لسانی آشنایی با زبان عربی را شرط لازم تدبر در قرآن نمی‌داند و مدعی است که زبان قرآن مستقل از لغت عرب قابل فهم و تعلیم و تعلم است. با این وجود به اصل اهمیت واژگان قرآنی بدین قرار معتقدند: حساسیت داشتن نسبت به واژگان قرآنی و اینکه حتماً بحث حول مفردات قرآنی شکل گیرد.^{۱۰}

اصل دیگر در اندیشه دکتر لسانی باور به این امر است که اسلوب اصلی قرآن کریم تمثیلی و استعاری است.

اصل دیگری هم که می‌توان در این خصوص به آن اشاره کرد، توجه به تکرار و بررسی متناوب و مکرر آیات برای نزدیک شدن به مراد قرآن کریم است که خود مبتنی بر اصل تصریف می‌باشد.

اصل دیگر که در روش تحقیق موضوعی مورد تأکید قرار گرفته، تقدم تدبر بر تفسیر می‌باشد. (در بخش نقد و بررسی این مسأله تشریح خواهد شد.)

نقد و بررسی مقدمه و فلسفه روش

آن‌گونه که اشاره شد، تنها بحث فلسفی و مبنایی که در خصوص روش تحقیق موضوعی، از مبدعان و نگارندگان آن سراغ داریم همان است که در مقدمه کتاب ایشان به‌طور اجمال آورده شده است.

همچنین اشاره شد که حلقه روش تحقیق موضوعی، خود را ملزم به بحث مبنایی ندانسته و صحت رویکرد خود را به توفیقات حاصل از آن ارجاع می‌دهند.

اگرچه مبنای سنجش و تأیید این توفیقات مشخص نیست، اما به هر حال نمی‌توان منکر شد که این استدلال نوعی تمسک به معیارهای صدق پراگماتیستی است که مزایا و معایب آن در جای خود و در کتب منطقی نوین به تفصیل بررسی شده است. خلاصه آنکه این مبنای صدق عمل‌گرایانه هیچ الزامی برای انطباق با حقیقت ندارد.

۲- مسأله بعدی آن است که نگارندگان با نقل کلامی از رهبر فقید انقلاب، امام خمینی، از جملات ایشان برداشت خاصی نموده‌اند که محل تأمل است (حسینی گلکار و هاشمی، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۴).

از مجموع این بیان و برخی اقوال دیگر مرحوم امام، حلقه روش تحقیق به این اصل رسیده‌اند که اولاً؛ تحقیق موضوعی معادل با تدبر و ثانیاً؛ در مقابل تفسیر موضوعی است (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱: ۱۵).

اما دقت در کلام امام خمینی رضی الله عنه نکاتی را برجسته می‌نماید که استنتاج دکتر لسانی و دوستانشان را از این کلام به نحو یاد شده، ناصواب می‌نمایاند.

اولاً؛ جایگاه بحث حضرت امام در کتاب *آداب الصلاة* و ذیل بحث توجه در قرائت و تدبر در نماز است.

ثانیاً؛ مخاطب امام در اکثر موارد مرحوم حاج احمد آقا یا شخصی در این حد از دانش معارفی بوده است.

ثالثاً؛ نباید فراموش نماییم که حضرت امام رضی الله عنه با همه مقام فقهی و عرفانی‌شان به هر حال مفسر قرآن - آن‌گونه که مثلاً در خصوص علامه طباطبایی رضی الله عنه می‌انگاریم - نبوده‌اند.

۳- استدلال دیگر ارائه شده در کتاب، بر مبنای دعوت قرآنی ﴿افلا يتدبرون القرآن﴾ بنا شده است و باز هم ادعا شده که تدبر روش تحقیقی در قرآن به‌هیچ‌وجه از سنخ تفسیر به رأی نبوده و بی‌خطر است (همان: ۱۸).

اما تشبث به این آیه مبارکه نیز نمی‌تواند منتج به ادعای عزیزان شود، چراکه مخاطبان اولیه آن اعرابی هستند که حداقل سه شرط لازم را داشته‌اند:

اولاً؛ آشنا به زبان عربی بوده‌اند؛

ثانیاً؛ با شأن نزول آیات آشنا بوده‌اند؛

ثالثاً؛ دسترسی به مفسر اصلی قرآن یعنی شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشته‌اند.

۴- مسأله دیگر، بررسی ادعای تقدم تدبر بر تفسیر در روش تحقیق موضوعی است.

علی‌رغم ارائه این اصل و دفاع از آن در میان حلقه تحقیق موضوعی، به نظر نمی‌رسد که مبدعان خودشان به الزامات این اصل و ادعا پای‌بند بوده باشند؛ به‌ویژه که:

اولاً؛ مشخص نیست که مراد از تقدم در اینجا،

تقدم زمانی است یا تقدم ارزشی؟

ثانیاً؛ در حالی که نگارندگان صراحتاً رجوع به مفسران را امری ثانویه دانسته‌اند؛ اما خودشان در سراسر تحقیق خود به خبرگان ارجاع می‌دهند و در حقیقت تدبر را بی‌نیاز از راهنمایی آنان نمی‌دانند.

از جمله، در ترجمه لغات تحقیق به زبان قرآن (همان: ۲۶)، در بحث "راه‌های دیگر دستیابی

به فهرست آیات" (همان: ۳۲) که رجوع به علما و تفاسیر را راهکار دانسته است.

همچنین در سراسر تحقیق، سطحی از دانش قرآنی مفروض گرفته شده است که باز هم مغایر ادعای اولیه رجوع بدون سابقه است. مثلاً آن‌گونه که آمده برای بررسی واژگان کلیدی (همان: ۴۲-۴۱) سطحی از دانش عربی لازم است.

بحث شناسایی سیاق آیات (همان: ۴۳)؛ دانستن نام دوم سوره‌ها - مثالی که آورده شده است و نام دیگر سوره مبارکه محمد (سوره ۳۱)، قتال است (همان: ۵۱) - بحث درک فراهای آیات (همان: ۷۲)؛ بحث درک نظم و هماهنگی‌های لفظی و معنوی آیات (همان: ۸۷) و نهایتاً اشاره به رجوع به ترجمه‌ها در تفاسیر برای افزایش ضریب اطمینان [؟!]. (همان: ۹۱)؛ فقط نمونه‌ای از موارد نیاز به رجوع به متخصصان در خلال تحقیق موضوعی است.

لازم به ذکر است که در حلقه‌ها و کارگاه‌هایی که با عنوان تحقیق موضوعی نیز برگزار می‌شوند. محوریت جلسه که معادل تسهیل‌گر است، فردی خبره می‌باشد. (در تحلیل متدولوژیک به این مسأله باز خواهیم گشت).

۵- نهایتاً برخی استنباط‌ها و تجویزات دکتر لسانی در مقدمه کتاب، قابل تأمل است.

ایشان می‌نویسد: «اگر هم بر فرض، در استنباط یکی از مفاهیم خطا کنیم، نه آسمان به زمین می‌آید و نه زمین به آسمان می‌رود و نه اسلام و نه قرآن به خطر می‌افتند، بلکه به مرور، یا خودمان در ادامه تحقیق، با بررسی سایر آیات، به خطایمان پی می‌بریم، یا تحقیقمان را به کسی که آگاه‌تر از ماست ارائه می‌دهیم تا ما را به خطایمان واقف کند و یا این که بعداً دیگران با تحقیقات خود نقائص تحقیق ما را تکمیل و خطایمان را تصحیح می‌کنند.

مهم آن است که با قلب بدون "زیغ"، به سراغ قرآن برویم و خالصانه ابرهای پربرتک و باران‌زای آیات الهی را بر زمین تفتیده و خشکیده وجودمان به بارش درآوریم. فرق تدبیر با تفسیر به رأی در همین جاست. نباید این دو را به حساب هم گذاشت. تفسیر به رأی یعنی این که با غرض خاصی به سراغ قرآن برویم و عقاید خودمان را بر کتاب خدا تحمیل کنیم و بافته‌های ذهنمان را به نام قرآن عرضه کنیم. تفسیر به رأی، حرف در دهان قرآن گذاشتن است و تدبیر، حرف از دهان قرآن برداشتن. تفسیر به رأی "بافتن" است، اما تدبیر "یافتن". این یکی دست‌پخت خود را بر سر سفره قرآن خوردن است، آن یکی بر سر سفره پر از غذاهای رنگارنگ قرآن نشستن و آرام آرام لقمه برداشتن. بنابر این، - همان‌گونه که حضرت امام ثانی می‌فرمایند - نباید میان این دو خلط کنیم و خودمان و دیگران را از این خوان گسترده پر نعمت، این‌گونه محروم سازیم.

مع الوصف... می‌توانیم با اضافه کردن عباراتی همچون: گویی، چه بسا، شاید، به نظر می‌رسد و... در ابتدای مفاهیمی که در صحت آنها تردید داریم یا بهتر و دقیق‌تر از آن، با درج علامت سؤال داخل پراتز در آخر این قبیل مفاهیم، خیال خودمان را از شائبه هرگونه تفسیر به رأی راحت کنیم.

باید در نظر داشت که در جریان تدبیر، همین مجموعه سعی‌ها و خطاهاست که ما را با قرآن مأنوس می‌کند، نه فقط یافته‌های صحیح. هم‌چنان‌که دانشمند علوم طبیعی وقتی در مورد پدیده‌ای تحقیق می‌کند و بعد از مدت‌ها با آن پدیده مأنوس می‌گردد، شکی نیست که او... (همان: ۱۹-۱۸)

در باب نقد و بررسی این گفتار عجیب جای بحث فراوان است، اما برخی موارد ضروری‌تر عبارتند از:

آیا محققى که - با علم ناقص خود سرزنده و شادان از یافته‌های ناقصش، مسرور است - تواضع لازم برای رجوع به آن فرد آگاه را دارد؟

به بیان خلاصه، فرض اینکه محقق قرآنى صرفاً با تواضع قلبی و نیت خالص ابتدایی، تا انتها نیز راه را خواهد یافت کمی دور از ذهن است.

به نظر می‌رسد این فرض البته ناخودآگاه ریشه در پذیرش عرفان اویسی - منسوب به اویس قرنی - دارد.

۶- به هیچ عنوان نمی‌توان مؤلفه‌ها و شاخص‌های تفسیر به رأی را صرفاً اخلاقی دانست تا تنها با اجتناب از آنها در ورطه تفسیر به رأی نیافتیم. به بیان دیگر "مغرضانه بودن" تنها شاخص تفسیر به رأی نیست. به‌ویژه که دانش هرمنوتیک و به‌ویژه بحث حیث التفاتی و تأثیر پیش‌فرض‌ها و ذهنیت‌های ما در تفسیر ما را متذکر عوامل دخیل در تفسیر به رأی می‌نمایند.

۷- مضافاً اینکه مقایسه روش تحقیق و تدبر در قرآن با رویکردهای دانشمندان تجربی نیز باید با دقت نظر بیشتری همراه باشد یا حداقل به‌گونه‌ای آنالوژیک صورت پذیرد.

۸- نهایتاً آنکه "گذشتن علامت سؤال" برای این امر مهم کفایت نمی‌کند.

بررسی متدولوژیک روش

روش تحقیق موضوعی - به‌ویژه در ساحت عمل که بر مبنای برپایی کارگاه‌های تلفیقی - تطبیقی با حضور گستره‌ای از علاقمندان و دانشجویان و بعضاً متخصصان اجرا می‌گردد - از حیث تحلیل متدولوژیک و روش‌شناختی در زمره روش‌های مبتنی بر ذهن‌انگیزی^{۱۱} قرار می‌گیرد. این روش‌ها که امروزه برای حل خلاقانه مسائل در گستره متنوعی از کاربردها و شاخه‌ها و مسائل به‌کار می‌روند، خود ریشه در باور به تداعی آزاد و قدرت ناخودآگاه و

۱- آیا چنین برداشت و تعریفی از تحقیق موضوعی با تعریف تفسیر به‌عنوان "برداشتن نقاب از چهره" تفاوت مبنایی دارد؟

۲- به لحاظ اخلاق نظری، اخلاق عملی، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق علمی، تجویزهای فوق‌الذکر هیچ‌گونه توجیهی ندارند. ما بر اساس هیچ معیار اخلاقی مجاز به آزمون و خطا در فهم نیستیم و شایسته آن است که برای تدبر و فهم از طریق مناسب آن وارد شویم.

۳- بر اساس کدام استدلال و مبنا می‌توان مدعی شد که مرور و گذشت زمان منجر به اصلاح اشتباهات گردد؟ کی و چگونه؟ آیا اساساً برای این ملازمه شاهدی وجود دارد؟ آیا این برداشت هم به نوعی در ساحت قبض و بسط تئوریک شریعت قرار نمی‌گیرد؟

چه بسا - و اغلب هم همین‌گونه بوده است - که مرور زمان نه تنها منجر به اصلاح اشتباهاتی که بر مبنای و روش ناتمام استوار شده‌اند، نیانجامیده، بلکه موجب انباشت بیشتر اشتباهات گشته است.

۴- مقصود از دیگران که باید بیابند و اشتباهات ما را اصلاح کنند کدام دیگران هستند؟ و اساساً آیا احاله اصلاح اشتباهاتمان به دیگران صحیح و اخلاقی است؟ آیا بیشتر ممکن نیست که آن دیگران هم راه اشتباه ما را عیناً پیش گیرند؟

۵- در این‌گونه مباحث تطبیقی چه تضمینی وجود دارد تا ما به فرد آگاه‌تری بر بخوریم تا احیاناً ایشان فرصت اصلاح اشتباهات ما را داشته باشند و این اتفاق در صورت رخ‌دادن تا چه حد زمان بر خواهد بود؟

این فرد آگاه را چگونه و از کجا بیابیم؟

واقعاً تا چه اندازه چنین افراد متخصص، خبره و آگاهی وجود داشته و در دسترس هستند؟ به فرض که چنین رویکردی شایع شود، آنگاه معدود افراد آگاه آیا فرصت و مجال کافی اصلاح همه این موارد را خواهند یافت؟

تفکر جمعی و هم‌اندیشی دارند. تحلیل کامل این‌گونه روش‌ها در کتب روش‌شناسی علوم اجتماعی در دسترس است، اما آنچه برای ما مهم می‌باشد آن است که اولاً؛ این روش نیازمند تسهیل‌گر^{۱۲} می‌باشد که اغلب فردی متخصص است و این مغایر با اصول موضوعه مفروض روش تحقیق موضوعی خواهد بود. ثانیاً؛ خطر ابتلا به التقاط فکری در صورت گوناگون آن در اجرای این روش بسیار زیاد است. ثالثاً؛ برپایی موفق آن کاملاً تخصصی و زمان‌بر و هزینه‌بر است و رابعاً؛ توافق حاصله در بحث جمعی از این دست را نباید معادل اعجاز قرآن پنداشت.

همچنین بایستی اشاره کرد که از حیث تحلیل متدولوژیک در روش کارگاهی - ذهن‌انگیزی؛ پیش‌فرض‌ها و ذهنیت‌های قبلی، بیش از روش تفسیر عادی در امر تدبیر اثرگذارند و لذا ولو به‌طور ناخودآگاه، تفسیر به رأی را در پی خواهند داشت.

همچنین نباید از نظر دور داشت که فرآیند تسهیل‌گری به‌ویژه آن‌گونه که در کارگاه‌های روش تحقیق موضوعی دیده می‌شود،^{۱۳} جهت دهنده بوده و مقوله‌ای بی‌طرفانه محسوب نمی‌گردد.

از سوی دیگر، نوعاً این ذهن‌انگیزی‌ها - به‌ویژه در کارگاه‌های جمعی - از آنجا که بر پایه مسأله و پرسش مشخص قرار ندارند، به دانش‌ها و گزاره‌های توتولوژیک می‌انجامند و چندان دستاورد ناظر به عمل جدیدی برای شرکت‌کنندگان ندارند؛ اگرچه خوانش صرف آیات و نیز استخراج فهرست از مجموع گزاره‌های مطرح شده فوق‌الذکر بعضاً می‌تواند شاخص‌ها یا واژگان کلیدی بحث را به‌دست دهند.

به‌علاوه اگرچه ذهن‌انگیزی موجب بسط و گسترش سطحی - افقی بحث‌ها و مطالب می‌شود، اما به‌دلیل گذرا بودن و نداشتن تعمق که خود ریشه در نداشتن زمینه مناسب و دانش و تخصص لازم دارد، چندان در عمق و لایه‌های عمودی ریشه نمی‌دواند.

درخصوص ذهن‌انگیزی به‌عنوان اصل محوری روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم؛ همچنین لازم به ذکر است که در قالب تحقیقات کاربردی و ناظر به حل مسأله، این رویکرد به‌ویژه هنگامی که به‌صورت کارگاهی انجام پذیرد، بسیار زمان‌بر است.

نکته دیگر که در تحلیل متدولوژیک تحقیق موضوعی لازم به ذکر می‌باشد، جزئی‌نگر بودن تحقیق است. هرچند روش کارگاهی و تداعی آزاد گستره موارد مطرح شده را افزایش می‌دهد، اما از آنجا که افراد دید کلی و احاطه حداقلی به مجموع دیدگاه قرآن درخصوص موضوع ندارند، لاجرم ماحصل کار نیز جزئی‌نگر است.

نهایتاً آنکه مؤلفان تمایل دارند تا رویکرد خود را نزدیک به روش دو مفسر کبیر معاصر مرحومان شهید صدر و علامه طباطبایی و به نوعی همسو با آنها بدانند، اما تبیین این ادعا در جایی صورت نگرفته است.

نکات تکمیلی

همان‌گونه که اشاره شد، روش تحقیق موضوعی نیز مانند هر رویکرد دیگری با خوانش‌های متعدد و نیز با روندی رو به تکامل مواجه است و نقادی و بررسی آن می‌تواند در بهبود روش و احیاناً تجدید نظر در برخی اجزا مفید و راهگشا باشد.

فارغ از این دیدگاه، برخی مؤلفه‌های روش به سادگی قابل ارتقاء هستند که در این بخش به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

۱- نمی‌توان هیچ روشی را بی‌نیاز از تأملات مبنایی و به تعبیری فلسفی دانست و رویکرد حاضر نیز بایسته است که به این مباحث توجه بیشتری نماید.

۲- درخصوص انتخاب کلیدواژگان (بحث فصل اول - مراحل مقدماتی) به نظر می‌رسد یکی از منابع تهیه واژگان کلیدی یا آیات و... می‌تواند سنت و کتب حدیث باشد که به این مسأله توجه نشده است.

تحقیق باشند و نیز بحث جهت تکمیل و گسترش یا فشرده سازی تحقیق.

۱۴- اشاره و باور به این مسأله که موضوع تحقیق، پیشنهادات و دستاوردهای آن می‌تواند در آینده از سوی ما و یا دیگران پیگیری و گسترش یابند.

۱۵- استفاده از سنت نبوی در باب تقسیم‌بندی صوری قرآن کریم از جمله سیاق‌ها و حزب مفصل^{۱۴} و...

۱۶- قدرت اقناعی بالای نتایج روش تحقیق موضوعی برای افراد شرکت‌کننده در مباحث (به‌ویژه به صورت کارگاهی).

۱۷- گسترش کمی دستاوردها به دلیل استفاده از متد ذهن‌انگیزی.

و موارد دیگر.

معایب و نواقص روش

در این بخش به نقطه عطف مقاله و ارائه نواقص روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم خواهیم پرداخت. برخی از این نکات، صوری و قابل اصلاح هستند (پیشنهادات) و برخی دیگر نواقص روشی قابل تکمیل با افزودن و تدقیق متدولوژیک (ابهامات)، اما برخی از این ایرادات مبنایی بوده و چالش‌های اساسی آینده روش هستند (مخاطرات). این موارد به هیچ عنوان قابل اغماض نیستند. نیل به پروتستانتیزم؛ التقاط‌گرایی و جزئی‌نگری از جمله این چالش‌ها محسوب می‌شوند.

۱- اشاره شد که روش تحقیق موضوعی جزئی‌نگرانه و تقلیل‌گرایانه (فروکاستی) است، هرچند بحث سیاق‌ها (مثلاً همان: ۷۴ و ۱۰۲) و بحث ملازمه برخی مفاهیم با یکدیگر در قرآن کریم (همان: ۷۸ و ۷۹) می‌تواند تا حدی این نقص را بهبود بخشد.

۲- در برخی موارد قیاس‌هایی صورت گرفته که چندان مناسب نیستند و حتی ممکن است با توجه به

۳- بایستی جایگاه دقیق نخبگان قرآنی در روش و نیز نسبت صحیح‌تر آن با تفسیر بررسی شود.

جمع‌بندی روش

مزایای روش

شایسته است ابتدا فهرست‌وار به مزایا و محاسن روش ارائه شده توسط دکتر لسانی اشاره نماییم.

۱- دغدغه "تدبر" عمومی، به‌ویژه جوانان سراسر جامعه در کلام الهی و اهمیت "روش‌مند" بودن در این خصوص مهم‌ترین محاسن رویکرد حلقه روش تحقیق موضوعی است.

۲- عمل‌گرا و الگوریتمیک بودن روش که امکان تحقیق گام به گام مطابق آن را برای خواننده فراهم می‌نماید.

۳- پیوستگی منطقی اثر و بیان روان آن.

۴- اشاره به برخی مباحث مهجور مانده، مانند سیاق و رکوعات قرآنی (همان: ۷۷ و ۷۳ و ۵۳ و ۴۵-۴۴)

۵- اشاره به برخی اعجازهای قرآن.

۶- برخی ظرافت‌های ادبی در بحث (مثلاً همان:

۵۱ الفبای نیکوکاری)

۷- توجه به نکات صوری تحقیق؛ اگرچه امروزه گسترش کاربرد رایانه و نرم‌افزارهای تخصصی تحقیق خیلی از این مباحث را آسان کرده است.

۸- اشاره به اهمیت تلاوت قرآن (همان: ۶۴).

۹- افزودن مثال‌های مناسب در هر بحث...

(چنان‌که متداول اغلب کتاب‌های روش تحقیق است).

۱۰- توجه به تکاملی و تدریجی بودن

تحقیق (مثلاً در همان: ۷۳).

۱۱- استمرار تحقیق - کتاب از طریق برگزاری

کارگاه‌ها و نیز از طریق تالارهای گفتگوی فضای مجازی.

۱۲- روان؛ موجز و سلیس بودن بیان نگارندگان.

۱۳- ارائه معیارهایی (شناسایی نقاطی) که نشان

دهنده لازم و کافی بودن میزان تحقیق و کامل بودن

تدبیر (همان: ۲۹)؛ هر دوی این مواضع ناصواب و مخاطره‌آمیز هستند.^{۱۷}

۸- برخی برداشت‌ها از مقوله تفسیر و مفسران اغراق‌آمیز و ناصواب می‌نمایند. به‌عنوان مثال آنجا که ادعا شده است: «فهم تفسیر وابسته به متن آیات نیست» [؟!](همان: ۷۰)

۹- علی‌رغم این ادعا که «روش تحقیق موضوعی، تفسیر نیست»، اما می‌توان شباهت‌های معناداری میان آن با روش حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در تفسیر نور و ... دید.

۱۰- نمی‌توان منکر این واقعیت شد که وسوسه تسریع در به مرحله عمل درآوردن تداعی‌های آزاد حاصل شده در مباحث نظری و بحث‌های کارگاهی قبل از بررسی نقادانه و به محک خبرگان زدن دیدگاه‌های به‌دست آمده، ممکن است به رفتارهای افراطی بیانجامد.

بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، اصول، مفروضات، الزامات و برخی نتایج آن پرداخته شد و مزایا و معایب آن اجمالاً فهرست گردید. اشاره شد که برخی از نواقص مطرح شده صوری و قابل اصلاح هستند و برخی دیگر نواقص روشی قابل تکمیل با افزودن و تدقیق متدولوژیک، اما برخی از این ایرادات مبنایی بوده و چالش‌های اساسی آینده روش می‌باشند. این موارد به‌هیچ عنوان قابل اغماض نیستند.

نیل به پروتستانیتیزم؛ التقاط‌گرایی و جزئی‌نگری از جمله این چالش‌ها محسوب می‌گردند.

در مبنایی نظری تحقیق نسبت‌های میان اهم مقولات روش‌شناسی را در یک پیوستار (به‌صورت نمودار) ارائه دادیم، اما همان‌گونه که احتمالاً خوانندگان دقیق متوجه شده‌اند، در خلال تحقیق از

منطق کلام الهی نادرست باشند. از جمله در قیاس قرآن‌آموز با دانشمندان تجربی (همان: ۱۹) و یا مقایسه نحوه چینش و ترتیب نگارش مطالب مقالات و کتب - آیین نگارش - با زبان قرآن (همان: ۸۲-۸۱).
۳- روش برگزاری جلسات و کارگاه‌های اشاره شده (مثلاً در همان: ۱۱۶-۱۱۵)، همان متد متداول ذهن‌انگیزی - بارش فکری - است که به این نکته و احیاناً تشابه - تمایزات آن اشاره‌ای نشده است.

۴- آن‌گونه که در بررسی اصول روش و نقد و بررسی مقدمه گذشت، مفروضاتی از روش، از جمله تقدم تحقیق بر تفسیر و امکان فهم بدون تدارک هیچ مقدمه و... تا حد زیادی روش را به فضای پروتستانیتیزم سوق می‌دهد.^{۱۵}

۵- از سوی دیگر، مخاطره مهم دیگر پس از پروتستانیتیزم، التقاط‌گرایی است. دعوت از جوانان برای تدبیر مستقیم و تخصصی در قرآن، آفت ثانویه دیگری هم دارد. از آنجا که جوانان اغلب در رشته مورد مطالعه‌شان که یا از علاقه یا از زمینه تحصیلی برخاسته و هنوز متخصص نیستند و بعضاً برداشت ناقص و حتی نادرست از دستاوردها و دقایق علمی رشته خود دارند، نمی‌توانند برداشت صحیحی نیز از آیات ناظر به آن بحث داشته باشند و نتیجه آن مجموعه‌ای از ادراکات التقاطی خواهد شد.^{۱۶}

۶- مضافاً آنکه آیا آنچه جوانان و نوجوانان - غیر متخصص - از تدبیر در قرآن کریم نیاز دارند، افزون‌تر از مباحث عمومی ایمانی، اخلاقی و اجتماعی است؟ و آیا بهتر نیست این موارد را ابتدا از تفاسیر قرآن و کتاب‌های موضوعی - عقیدتی پیام‌زود و سپس با توشه‌ای مناسب در محضر قرآن بنشینند و به تدبیر مستقیم بپردازند؟

۷- باید راهی بین افراط و تفریط یافت و گشود؛ نه تفسیر به رأی (همان: ۱۹) و نه مسدود دانستن راه

ملاحظه اصول و پیش‌فرض‌های رویکرد دکتر لسانی، در نسبت با جریان غالب تفسیری شیعی، بایستی "روش تحقیق موضوعی" را جریانی هترو دوکس تلقی نماییم.

پی‌نوشت

۱- از اساتید سابق دانشکده الهیات دانشگاه تربیت مدرس و استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام و عضو شورای عالی قرآن کریم.

۲- ظاهراً این کتاب پیش از این تاریخ، سه چاپ توسط انتشارات قلم مهر (قم) از ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ داشته و توسط بوستان کتاب نیز با اتمام نسخ چاپ اول چند مرتبه به صورت محدود و در سال‌های ۱۳۹۳ و ... به صورت چاپ مجدد وارد بازار شده است.

۳- جهت معرفی تفصیلی کتاب ن.ک: حسینی گلکار و هاشمی، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۲.

4- mainstream: *the way of life or set of beliefs accepted by most people*-Cambridge Dictionary.

5- a prevailing current or direction of activity or influence; to cause (someone or something) to be included in or accepted by the group that includes most people - Merriam-Webster.

۶- در حوزه ادیان بویژه مسیحیت و هندوئیسم و بودیسم بحثی با عنوان جریان ارتدکس یا راست کیش جریان دارد که جوهره اصلی آن باور به وجود یک تفسیر اصیل و نزدیک به قرائت اصلی منبع وحیانی است و از بحث حاضر خارج می‌باشد.

7- Mainstream is the common current thought of the perceived majority - Wikipedia

۸- این نگاه قرابت‌های متعددی با نظریه انقلاب‌های علمی و مفهوم پارادایم کوهن دارد که از بحث ما خارج است.

9 - Mapping

۱۰- به‌عنوان مثال در بحث مدیریت در قرآن معتقدند که دسته‌بندی و مقوله‌ای با عنوان "تخصص و تعهد" اساساً در قرآن وجود ندارد و چون از مفردات قرآنی استخراج نمی‌شود، قابل استناد نیست.

11- Brain-Storming (بارش فکری - طوفان فکری).

12- Facilitator.

روش و رویکرد برای بیان "روش تحقیق موضوعی" استفاده کردیم. این خلط‌های مفهومی اولاً به دلیل ابهام در نگاه بنیان‌گذاران خود روش تحقیق است و ثانیاً از آنجاست که علی‌رغم تصریح ایشان بر واژه "روش"، مدعیات آنها فراتر رفته و بایستی در قالب "رویکرد"، تحلیل شود.

از سوی دیگر "رویکرد" طبق تعریف صرفاً "نوعی رهیافت برای حل مسائلی خاص"^{۱۸} است و در سطح رویکرد بحث ایدئولوژیک، معرفت‌شناختی و وجودشناختی نداریم. حال آنکه آن‌طور که دیدیم "روش تحقیق موضوعی" اصول و پیش‌فرض‌هایی دارد که تنها در سطح متدولوژی قابل طرح هستند. همچنین استمرار تاریخی این آموزه‌ها در طی سه دهه به سمت شکل‌گیری یک مکتب [تفسیری یا ...] رفته است، لذا بایستی به همین میزان متوقع دقت‌های روش‌شناسی باشیم و این مهم، امری است که تاکنون از آن غفلت شده است.

بایستی گفت که روش تحقیق موضوعی، به لحاظ صوری تلاشی است برای تطبیق چارچوب کلاسیک روش تحقیق عام در موضوع قرآن‌پژوهی که با افزودن متدهای جدیدی از علوم اجتماعی از جمله ذهن‌انگیزی و ... قوام یافته است.

همچنین "روش تحقیق موضوعی" علی‌رغم توقع از آن در جایگاه یک متدولوژی مکتب تفسیری، چندان رویکرد منسجمی برای تعمیق در لایه‌ها و سطوح ژرف‌تر معنایی ندارد. در اینجا می‌توان پیشنهاد داد تا از روش‌هایی چون تحلیل لایه‌ای علت‌ها^{۱۹} (CLA) که توان ترکیب با ذهن‌انگیزی (به‌عنوان روش مرکزی دکتر لسانی) را دارد، بهره برد. نهایتاً به نظر می‌رسد بایستی تدبر در قرآن را امری تشکیکی بدانیم و دارای مراتب و سطوحی که مسلماً از این منظر تفسیر و تحقیق موضوعی نه اموری مستقل بلکه مرتبط با هم خواهند بود. لذا با

حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۹۳). دستینه روش‌های آینده‌پژوهی. تهران: موسسه فرهنگی هنری حم و پژوهشکده آینده‌پژوهی سلامت.

حسینی گلکار، مصطفی و محمد محمدرضایی (۱۳۹۳). بیست گفتار انتقادی در فلسفه های دین مضاف. تهران: موسسه فرهنگی هنری حم و نشر سبز رایان.

حسینی گلکار، مصطفی و یحیی کبیر (بهار ۱۳۹۱). "رویکرد حقوقی در دین پژوهی و عدم امکان استقراء تام در رهیافت های مطالعات دینی". فصلنامه آیین حکمت. شماره ۱۱. صص ۱۲۹ تا ۱۵۶.

حسینی گلکار، مصطفی و سید محسن هاشمی (بهار ۱۳۹۴). "نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم". دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. سال ششم. شماره اول.

سبحانی، جعفر (۱۳۷۶). "زبان دین در فلسفه و کلام اسلامی". کلام اسلامی. سال ۶. شماره پیاپی ۲۳. قاضی زاده، کاظم، محمدعلی لسانی فشارکی و محمد علی مهدوی‌راد (پاییز ۱۳۸۷). "التفسیر الموضوعی تعریفه أقسامه مشروعیه علاقه با أنواع التفسیر الأخری". العلوم الانسانیة الدولیه الجمهوریه الاسلامیه الایرانیة. شماره ۱۵ (۴). صص ۹۵ تا ۱۱۸.

لسانی فشارکی، محمدعلی و ابوذر پورمحمدی (تابستان ۱۳۸۸). "بررسی مفهوم تفکر در قرآن". پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم. شماره ۳. صص ۱۳۱ تا ۱۶۲.

لسانی فشارکی، محمد علی (تابستان ۱۳۸۹). "روش تحقیق و پژوهش در قرآن کریم". رشد آموزش قرآن. شماره ۲۹. صص ۳ تا ۹.

لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی (۱۳۹۱). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم. قم: بوستان کتاب. محمدرضایی، محمد و مصطفی حسینی گلکار (تابستان ۱۳۸۹). "آیا نظریه معقولیت برهان است؟". فصلنامه حکمت و فلسفه. شماره ۲۲.

۱۳- این مسأله تا حدی است که بعضاً شرکت کنندگان احساس می‌نمایند که تسهیل‌گر، متکلم وحده بحث قرار گرفته است.

۱۴- از سوره مبارکه ق تا ناس.
۱۵- قضاوت ارزشی در باب پروتستان‌تیزم خارج از بحث مقاله حاضر است.

۱۶- شاید بتوان بحث "مدیریت در قرآن" در فصل پنجم کتاب را که مدیریت را معادل با اطاعت پذیری دانسته، از این منظر تفسیر کرد.

۱۷- نقل قول روش تحقیق موضوعی را بنگرید: «برای تحقیق موضوعی در قرآن و گزینش آیات، هیچ نیازی به احاطه و تسلط بر قرآن - که البته محال است - نمی‌باشد و فقط با مراجعه به معجم/المفهرس یا برخی از نرم افزارهای معتبر، می‌توان آیات مربوط به موضوع را برگزید.» (همان: ۲۹) [۹]

18- *To come near or nearer* (Oxford; Wiktionary; Merriam-Webster etc.)

۱۹- تحلیل لایه لایه علت‌ها یکی از آخرین و جدیدترین روش‌های معرفی شده در آینده‌پژوهی به‌طور خاص و علوم اجتماعی به‌طور عام می‌باشد که توسط سهیل عنایت‌اله -اندیشمند پاکستانی الاصل- ارائه شده است. CLA در مقام یک نظریه، به دنبال تلفیق طرق مختلف شناخت تجربه‌گرایانه، تفسیرگرایانه و انتقادی و یادگیری می‌باشد و بدین منظور تحلیل را در سطوح افقی و عمودی (عمق) پی می‌گیرد و برای تحلیل در عمق (علت‌ها)، چهار لایه: لیتانی (امور و رخدادها) - نظام (ساختارهای اجتماعی) - جهان‌بینی و گفت‌مان - اسطوره - استعاره را مطرح می‌نماید. (حسینی گلکار، ۱۳۹۳)

منابع

آملی لاریجانی، صادق (پاییز و زمستان ۱۳۷۷). "زبان دین و زبان علم". حوزه و دانشگاه. شماره ۱۶ و ۱۷. بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده پژوهی: علوم انسانی برای عصر جدید. ترجمه تقوی و محقق. تهران: مرکز آینده پژوهی فناوری‌های دفاعی.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). دین‌شناسی. قم: انتشارات اسراء.